

در سوگ مادر امت، ام المومنین حضرت خدیجه س

حضرت خدیجه (س)، بانویی که همه هستی‌اش را در راه خدا داد و در لحظات آخر عمرشان درخواستی عبای پیامبر (ص) را برای کفن نمود اما از جانب خدای متعال از بهشت برایش کفن بهشتی برایش آوردند.
بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت خدیجه (س) عرض کرد یا رسول الله (ص) من خجالت می‌کشم به شما بگویم به دخترم فاطمه می‌گویم به شما بگوید. پیامبر از اتاق بیرون رفتند، فاطمه پنج ساله کنار مادر نشست، خانم عرض کرد: فاطمه‌جان، من از قبر می‌ترسم، دوست دارم پدرت آن عبایی که موقع وحی به دوش می‌اندازد آن را کفن من قرار بدهد که من در قبر در امان باشم، به من صدمه‌ای نرسد؛ ولی خجالت می‌کشم به پدرت بگویم.

آری کسی که همه اموالش را داده از تقاضای یک عبا خجالت می‌کشد. جان همه عالم به قربان چنین بانوی باحیا، باادب و باعفتی. پیامبر وارد حجره شدند، فاطمه زهرا عرض کرد «باباجان مادرم دوست دارد این عبای خودت را کفن او قرار بدهی ولی خجالت کشیدند این وصیت را به شما کنند. پیامبر فرمودند باشد حتما این کار را خواهم کرد.

حضرت خدیجه (س) از دنیا رفتند، پیامبر بدن این همسر را غسل دادند و وقتی خواستند با عبای خودشان کفن کنند، جبرئیل نازل شد «عرض کرد یا رسول‌الله خدای متعال سلام می‌رساند می‌فرماید کفن خدیجه با ما است.

برای هیچ کسی من ندیدم از بهشت کفن بیاید، جبرئیل از طرف خدای متعال فقط برای این بانو کفن بهشتی آورده است. کسی که همه هستی‌اش را در راه خدا داده است.

یا رسول‌الله وقتی حضرت خدیجه (س) از دنیا رفت، شما عبا آوردید؛ عبایی که موقع وحی به دوش می‌انداختید. همسران از دنیا رفت، جبرئیل آمد از بهشت کفن آورد؛ مگر اباعبدالله فرزند عزیز شما نبود مگر شما نفرمودید «حُسَيْنٌ مِنْ ذِي وَ أُنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَوْ حَبِّهِ مَنْ أَوْ حُبِّنا حُسَيْنٌ سَيِّدٌ مِنْ الْأَسْبَاطِ»

مگر حسین (ع) دردانه خدا نیست، عزیز خدا نیست، حتما از حضرت

خدیجه (س) خیلی پیش خدا عزیزتر است؛ اما چرا اباعبدالله نباید یک کفن داشته باشد. امام سجاد(ع) خواست بدن پدر را بردارد هر طرف را برمی‌داشت، قسمت دیگر روی زمین می‌ماند صدا زدند بروید، یک حصیر بوریا بیاورید.

به کوشش: [امیر محسن سلطان احمدی](#)

انتشار این مطلب در:

[خبرگزاری قرآن - نبأ](#)